آزمون مداد کاغذی و عملکردی بنویسیم پایه چهارم دبستان نام و نام خانوادگی:

تاریخ: / /

۱.با حروف در هم ریخته یک کلمه بسازید.

ا س ق ت ل ا ب ..... م ر ا ن ا غ .....

۲.کلمات زیر را با حروف مناسب کامل کنید.

اعترا__ م__بت خ__ اجه جی__ون

۳. کلمات مترادف را به هم وصل کنید.

خاور	چیزی که کم است
تحقیر	قد و بالا
کم یاب	گوهر
چابک	مشرق
قامت	خوار کردن
گهر	تند و سریع

۴. کلمه مناسب را انتخاب کنید.

لیلا (خواهر-خاهر) خود را(خار-خوار)کرد.زیرا او لباسش را با یک(خار-خوار)پاره کرده بود و روی آن (قضا-غذا)ریخته بود و آن را در (حیاط-حیات)انداخته بود.

مادر بزرگ برای مریم یک (قصه-غصه)گفت که در آن یک بچه (اثاث-اساس)خانه را شکسته بود و آن ها را (خرد-خورد)کرده بود.مادر بزرگ از مریم (خاست-خواست)هیچ وقت این کار را انجام ندهد.

۵.بادقت درکلمات متن ،ک وگ رادرکلمات کامل کنیدونقطه هایی که جاانداخته شده است رابگذارید.سپس علائم نگارشی مناسب را قرار دهید.

روری بهارتابسان پاییزو زمستان باهم گفت و_ومی کردند صحبت ازاین بود که حورشید جهان

افروز را به داوری انتخاب کنند وخورسید پذیرفت

بهار نخست کردبندهایی از _ل های صورتی دراطراف گودال هاآویخت آن راگلکون کرد

۶. مخالف کلمات زیر را بنویسید.

انتها..... ورود..... . روشنایی..... فایده.....

۷. برای کلمات زیر دو هم خانواده بنویسید.

مشق.....،..... کتاب.....،..... عارف.....،.....

۸.معنای کلمات زیر را بنویسید.

تقدیر نامه:..... . خودرو:.....

۹.جمله چیست و از چه تشکیل شده است؟

۱۰.داستان زیر را بخوانید و به سوالات پاسخ دهید.

محمد ،پسری بازی گوش بود. او همیشه به فکر خودش بود و به هیچ کس کمک نمی کرد. حتی تکالیفش را به خوبی انجام نمی داد. یک روز علی که هم کلاسی محمد بود به او گفت:«محمد جان من امروز باید به مسابقه فوتبال بروم اما کفش های ورزشی ام را نپوشیده ام. بیا کفش هایمان را با هم عوض کنیم.»محمد خندید و گفت:«من کفش هایم را به هیچ کس نمی دهم.» سپس دوان دوان به سمت کلاس رفت. علی بسیار ناراحت شد و آن روز نتوانست به مسابقه فوتبال برود.

چند روز بعد امتحانات محمد شروع شد ولی محمد که در طول سال درس هایش را نخوانده بود هیچ کدام ازامتحاناتش را خوب نداد. معلم محمد را صدا زد و به او گفت:«محمد تو هیچ کدام از درس هایت را نخوانده بودی و نمی توانی به کلاس بالاتر بروی.» محمد شگفت زده شد و شروع به گریه کرد. معلم گفت:«گریه نکن من به تو یک فرصت دیگر میدهم. علی هم کلاسی ات تمام نمراتش عالی شده اند من از او خواستم تا به تو در درس هایت کمک کند و دوباره امتحان بدهی.» محمد گفت:«علی؟ ولی...» در آن لحظه علی وارد کلاس شد و به سمت محمد آمد و با خنده گفت:«نگران نباش محمد جان من به تو کمک می کنم تا تمام درس هایت را به خوبی یاد بگیری.» محمد با خجالت سرش را پایین انداخت. او به خودش قول داد مثل علی به دیگران کمک کند و خود خواه نباشد.

۱.عناصر داستان بالا را بنویسید.

۲.زیر جملاتی که با کلمه های ربط به مربوط شده اند خط بکشید. و مشخص کنید کدام در کلمات ربط معانی دو جمله مقابل هم هستند.

۳.در بند اول داستان چند جمله وجود دارد؟

۴.این متن به کدام ضرب المثل ارتباط دارد؟

الف)جوجه را آخر پاییز می شمارند.

ب)کوه به کوه نمی رسه آدم به آدم می رسه.

ج)جوینده یابنده است

موفق باشی عزیزم

بیاموز
BIAMOZ.COM

بیاموز | Biamoz.com

بزرگترین مرجع آموزشی و نمونه سوالات درسی تمامی مقاطع

شامل انواع | نمونه سوالاتِ | فصل به فصل | پایان ترم | جزوه |

ویدئوهای آموزشی | گام به گام | طرح درس | طرح جابر | و ...

کانال تلگرام | گروه تلگرام | اینستاگرام

برای ورود به هر پایه در سایت ما روی اسم آن **کلیک** کنید

دبستان

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم

متوسطه اول

هفتم	هشتم	نهم

متوسطه دوم

دهم	یازدهم	دوازدهم